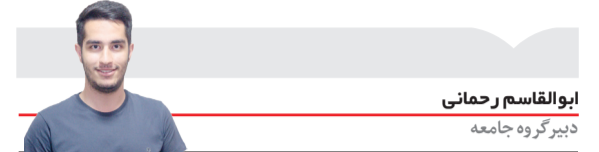


مدارس هیات امنایی ۳۰ درصد زیادتر می شوند

# تشدید روند خصوصی سازی مدارس



ابوالقاسم رحمانی  
دبیر گروه جامعه

روزهایی که همه درگیر شیوع کرونا و امتحان راه های مقابله و مواجهه با آن هستیم، روزهایی که اخبار عجیب و دردناکی از گوشه و کنار کشور به گوش می رسد و حواس رسانی ها و مردم را حسابی به خود جلب کرده است، روزهایی که مجلس جدید با متن و حاشیه های کلیشه ای کار خود را آغاز کرده است و نمایندگان عطش خدمت به مردم را دارند، آموزش و پرورش نیز از قافله عقب نمانده و در این وزارتخانه عریض و طویل نیز اتفاقات جالبی در حال وقوع است. اخیرا اخبار و اطلاعاتی از نظام

آموزشی کشور به گوش می رسد که تحلیل آنها نشان از تاخت سریع مسئولان عالی نظام آموزشی در زمین خصوصی سازی آموزش و توسعه آموزش پولی دارد. البته در شرایطی که آموزش و پرورش تقریباً در تمام سناریوهای آموزشی خود در شرایط کرونایی شکست خورده است، نوشتن از مسائل دیگر نظام آموزشی شاید موجه نباشد، اما خب آن مسیر با این مدیران و سیاست ها اصلاح پذیر نیست و مشکل آموزش کشور در شرایط بحرانی با شاد و برنامه تلویزیونی ضعیف و... حل نخواهد شد؛ حالا هرچقدر هم که ما بنویسیم و ورق سیاه کنیم. منتها این مورد، یعنی سیاست و برنامه جدیدی که آموزش و پرورش می دهد در پیش گرفته اند دقیقاً منطبق بر نقشه قوت آنها یعنی شانه خالی کردن از تقبل هزینه های آموزشی و امر خصوصی سازی آموزش است، بنابراین حساسیت نسبت به آن در خوشبینانه ترین

حالت شاید تاحدی از سرعت این ولع در پولی سازی آموزش کم کند. حالا سوال اصلی اینجاست که دقیقاً آموزش و پرورش می خواهد چه کار کند؟ براساس برنامه وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۹ این وزارتخانه در نظر دارد امسال میزان مدارس هیات امنایی را به دو درصد از کل مدارس کسور افزایش دهد. در نگاه نخست شاید این مساله خیلی عجیب به نظر نرسد و حتی بتوان از آن دفاع هم کرد، منتهی در ادامه پرسیده نرم خصوصی سازی آموزش از طریق این مدارس را بررسی می کنیم.

## مدارس هیات امنایی، نامی مجلسی برای همان مدارس پولی

دانش آموزان پرداخته اند. اما به دلایل مختلفی در سال های آتی توسعه و پیشرفت این مدارس دچار خدشه شد که این امر لزوم ایجاد اصلاحاتی در این آیین نامه را ایجاب کرد. اصلاحات صورت گرفت و مقرر شد در برنامه پنجم توسعه، تعداد مدارس هیات امنایی به ۲۰ درصد مدارس کشور برسد. پروسه هیات امنایی شدن مدارس هم این طور است که مدارس دولتی می توانند در صورت احراز شرایط با پیشنهاد شورای مدرسه و تایید شورای منطقه، مجوز هیات امنایی شدن را به طور موقت برای یک سال دریافت کنند و بعد از آن در صورت حصول چشم اندازهای مدنظر این مجوز از حالت موقتی به قطعی تغییر خواهد کرد. ضمناً اگر مدل ارائه خدمات و اداره مدرسه مورد قبول واقع شود، این مدارس می توانند به مدارس غیردولتی تبدیل شوند. نکته دیگری که در کتب ایجاد و اصل وجود این مدارس وجود دارد، سوازی مردمی بودن و مدیریت و مشارکت اولیا در آن، دریافت وجوهاتی برای پیشبرد امر

آموزش یا به تعبیری همان شهریه است؛ مساله ای که در ادامه می بینیم تمام متن مورد انتظار و شعارهایی که حول ایجاد این مدارس طرح می شود را به حاشیه برده و دولت هم برای تندتر کردن امر خصوصی سازی حسابی روی آن حساب باز کرده است. براساس اطلاعاتی که از سال تحصیلی ۹۶-۹۵ وجود دارد، از حدود ۹۲ هزار مدرسه موجود در کشور، هزار و ۴۱۶ مدرسه هیات امنایی هستند، یعنی چیزی حدود یک و نیم درصد مدارس به این شیوه مدیریت می شوند. با افزایش این مدارس به ۲ درصد ۳۰ درصد به تعداد مدارس هیات امنایی افزوده خواهد شد.

براساس برنامه وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۹، تعداد مدارس هیات امنایی امسال باید به دو درصد از کل مدارس کسور برسد. بگذارید اول در تعریفی از مدارس هیات امنایی داشته باشیم. براساس آنچه در منابع آمده شورای عالی آموزش و پرورش پیرو سیاست های مدرسه محوری و در راستای کمک به اجرای ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۴۴ قانون چهارم توسعه و... آیین نامه توسعه مشارکت های مردمی به شیوه مدیریت هیات امنایی را مصوب کرد. ارتقای کیفیت برنامه های آموزشی و تربیتی، جلب و توسعه مشارکت های مردمی و خیرین در احداث و اداره امور، تقویت نظام مدیریتی، مالی و اجرایی مدارس از چشم اندازها و برنامه های شورای عالی آموزش و پرورش برای ایجاد مدارس هیات امنایی بود. این مدارس اول بار در سال ۸۳ به شکل آزمایشی دایر شدند. به طوری که در آن سال چیزی حدود هزار مدرسه به شیوه هیات امنایی اداره شدند و به امر آموزش و پرورش

## یک بام و دو هوای مسئولان نظام آموزشی

اساسی خارج می کند. نکته دوم اینکه هیات امنایی شدن این مدارس علی الدوام نیست و به نوعی حربه و پلی برای غیردولتی شدن این مدارس و به طور کلی خارج شدن از دایره دولتی بودن و دریافت شهریه های گزاف است. نکته سوم اینکه توسعه این مدارس هم با ذات اصل ۳۰ قانون اساسی در تضاد است، هم چون سازه جدیدی ایجاد نمی شود و مدارس دولتی هستند که به هیات امنایی تبدیل می شوند و از تعداد دولتی ها به نفع غیردولتی ها کاسته می شود و در نهایت هم اینکه هنوز خیلی از آن بلبشوی حذف تنوع مدارس عبور نکرده ایم، جار و جنجالی که برای حذف بیست و چند نوع مدرسه در کشور ایجاد شد و مسئولان نظام عالی کشور مدعی بودند این تنوع مدارس در تضاد با عدالت آموزشی است، حالا معلوم نیست چه اتفاقی افتاده است که در نظر دارند مدارس هیات امنایی را افزایش دهند و به دو درصد کل مدارس کشور برسانند. پس می توان

با این اوصاف نتیجه گیری کرد که مسئولان نظام آموزشی کشور بیش از آنکه دغدغه شیوه مدیریت و تنوع و تبعیض و مسائلی از این دست را داشته باشند، درصدد افزایش سرعت امر خصوصی سازی آموزش و سبک تر کردن بار نظام آموزشی از دوش دولت هستند. چشم انداز رشد مدارس غیردولتی به ۱۵ درصد از مدارس کشور و توسعه مدرسی نظیر هیات امنایی و تغییر آنها در بلندمدت به مدارس غیردولتی هم ذیل همین سیاست ها تعریف و اجرایی می شود.

اما همان طور که گفتیم اصل و اساس و شعار موافقان ایجاد و توسعه مدارس هیات امنایی مبتنی بر همان مساله مشارکت های مردمی و مدیریت هیات امنایی آن است که امکان شور و مشورت و ایجاد فضای تعاملی را به وجود می آورد. منتها این تنها پوششی خوش رنگ و لعاب برای پروسه غیردولتی کردن مدارس دولتی است. به هر حال هیچ کس مخالف و منتقد مشارکت خانواده ها و نهادهای اجتماعی و مدنی در مدیریت مدارس نیست و اتفاقاً باید از آن استقبال شود. اما تکیه بر این پوشش برای خروج نوع مدارس از دایره مدارس دولتی به مدارس غیردولتی نکته اصلی است که ذیل همین شعارهای مردمی بودن و... پنهان می شود. نکته اول اینکه این مدارس همچون مدارس غیردولتی، البته متناسب با رویکرد مدرسه، هیات امنای آن و البته آموزش و پرورش شهری دریافت می کنند و همین مساله این مدارس را از دایره مدارس دولتی و اصل ۳۰ قانون

## سیاست دولت همان رشد مدارس غیردولتی است

براساس اطلاعات موجود در سالنامه آماری آموزش و پرورش در ارتباط با این مساله با عادل برکم، کارشناس حوزه آموزش و پرورش نیز گفت و گویی داشتیم. به هر حال این اتفاق خردی نیست و در جریان کلی برون سپاری آموزش و کمتر شدن مسئولیت در حوزه نظام آموزشی دارای اهمیت بالایی است و باید هوشیارانه به مواجهه با آن پرداخت. برکم در ارتباط با این برنامه وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۹ و توسعه مدارس هیات امنایی به «فرهنگستان» گفت: «این مساله سیاستی است که چندین سال است دنبال می شود. سیاستی که در جهت افزایش تعداد و توسعه مدارس غیردولتی است. این پروسه را به طرق مختلف از اوایل دهه ۶۰ تا به امروز داشتیم و داریم. در برنامه ششم هم قرار شد میزان مدارس غیردولتی ۱۵ درصد افزایش یابد که این آمار در مقایسه با کشوری مانند آمریکا که حدود ۱۰ درصد مدارس آن، آن هم در نظام لیبرالی غیردولتی یا خصوصی هستند، خیلی آمار زیاد و عجیبی است. جدای از این توسعه مدارس غیردولتی، در سال گذشته برون سپاری مدارس را تحت عنوان طرح خرید خدمات آموزشی هم داشتیم که در دولت آقای روحانی اتفاق افتاد. الان هم در برنامه کاری سال ۹۹ وزارت آموزش و پرورش جز توسعه خرید خدمات آموزشی و مدارس غیردولتی یک فعالیت دیگری جزء برنامه های سازمان مدارس غیردولتی آمده که افزایش مدارس یا گسترش مدارس هیات امنایی به میزان دو درصد مدارس موجود است و این نشان می دهد این دولت از این گذار هم برای پیشبرد اهداف خصوصی سازی غافل نشده و نمی گذرد.»

## مشارکت مالی بیشترین مشارکت در مدارس هیات امنایی

برکم در ادامه در تشریح جایگاه و شرح وضعیت مدارس هیات امنایی ادامه داد: «مدارس هیات امنایی از چند سال پیش ایجاد شده اند و فعالیت شان را آغاز کرده اند. آنچه گفته می شد و هدفی که برای ایجاد این مدارس بیان می شد، این است که مشارکت اجتماعی و اثر گذاری نهاد خانواده، نهادهای مدنی و اجتماعی و معلم ها در پیشبرد اهداف آموزشی بیشتر شود و مدیریت از مدیریت فردی به مدیریت گروهی تغییر کند، اما مساله این است این طرح هیچ گاه نتوانست باعث ایجاد مشارکت شود و بیشتر مشارکتی که اتفاق افتاد مشارکت مالی بود. این مدارس هیات امنایی چون خود را از مدارس دولتی جدا می کنند، مشمول اصل ۳۰ قانون اساسی نیستند. اجازه دریافت وجه یا شهریه دارند، حتی در اسانسانامه این مدارس هم اجازه داده شده دریافت وجه داشته باشند و از این طریق درآمدزایی کنند. البته گفته شده این مبالغ دریافتی برای کلاس های اختیاری و فعالیت های فوق برنامه باشد، اما می دانیم خیلی از اتفاقاتی که در مدارس می افتد خیلی از سرفصل های آموزشی و افعال موجود قابلیت تبدیل شدن به عنوان فوق برنامه را دارند. یعنی فرض کنید اگر منظور از فعالیت های اصلی کلاس هایی است که برگزار می شود اینها را آموزش و پرورش تامین می کند. یعنی معلم را از نظر حقوق و مالی تامین می کند و هزینه ای ندارد و بقیه چیزها فوق برنامه می شود. شمول فوق برنامه مدارس یک مساله ای است که باید روی آن حساس شد و این مدارس را تبدیل به مدارس پولی کرد.»

## ذخالت مالی والدین در اداره مدارس خود باعث ایجاد بی عدالتی آموزشی است

برکم با اشاره به این مساله که این تبدیل مدارس دولتی به غیردولتی توسط مدارس هیات امنایی تنها بخشی از ایرادهای این برنامه جدید وزارت آموزش و پرورش است، گفت: افزایش میزان مدارس غیردولتی و آموزش خصوصی تنها یک قسمت از ایرادهای وارد به توسعه مدارس هیات امنایی است. ایراد دیگر این است با فرض اینکه اینها را نادیده بگیریم که ممکن است مدارس هیات امنایی غیردولتی بشوند، اینجا به اصل ۳۰ قانون اساسی خدشه وارد شده است. وقتی مجوز می دهید که مشارکت مالی والدین در اداره مدرسه دخیل باشد، شاید در نگاه اول امر مثبتی به نظر برسد، اما اتفاقی که می افتد این است که کیفیت و سطح آموزش و فعالیت های دیگری که در آن مدرسه اتفاق می افتد، مستقیماً وابسته به درآمد والدین و مردمی می شود که در آن منطقه هستند. به هر حال مدرسی که هیات امنایی هستند اکثر دانش آموزان از آن منطقه و اطراف مدرسه آمده اند. اگر آن مدرسه در منطقه خوبی باشد که خانواده ها وسیع مالی خوبی داشته باشند آن مدرسه هم رشد می کند و امکاناتش بیشتر می شود و مدرسه هیات امنایی که در منطقه ضعیف تر یا مدارس دولتی هستند در رقابت مالی والدین آن منطقه و رقابت گروهی اقتصادی والدینی که در منطقه هستند، قرار می گیرند و شاهد اختلاف و افزایش نابرابری هستیم. این اختلاف بین مدارس مرفه و نقاط کم درآمدنشین بیشتر می شود. بالا و پایین شهر از نظر آموزش خیلی تفاوت می کنند. این مساله ای است که از لحاظ عدالت آموزشی و نابرابری آن باید مورد توجه جدی قرار گیرد.»

## مدارس هیات امنایی پل واسط تبدیل مدارس دولتی به غیردولتی

این کارشناس حوزه آموزش و پرورش در ادامه با اشاره به این مساله که هنوز هیچ گزارش و اطلاعی از میزان اثرگذاری این مدل از مدارس و خروجی های آنها عنوان نشده است، ادامه داد: «این مساله که آیا وجود و فعالیت این مدارس نکته مثبت و شگرفی در امر آموزش داشته اند یا خیر، هنوز مشخص نیست، یعنی ما تاکنون تحقیق و گزارشی در این باره ندیده ایم. برای همین حالا هم نمی دانیم بر چه مبنایی گفته شده این مدارس توسعه یابد و میزان دو درصد باشد. پس با این تفاسیر به نظر می رسد این راه هم باید در همان چارچوبی دید که دولت قصد دارد سهم خود را از آموزش کم کند و آموزش را به مردم واگذارد، یعنی به نوعی خصوصی سازی اتفاق افتد که هرکسی هر قدر پول دارد از آموزش بهره مند شود و این کالایی شدن آموزش برای همه بیشتر ملموس شود. اتفاقاتی که می افتد این است که در تبصره ۵ ماده یک اسانسانامه به مدارس هیات امنایی اجازه داده شد، اگر فعالیت خوب داشتند با نظر مراجع بالادستی بتوانند به مدارس غیردولتی تبدیل شوند. چیزی که شاهد هستیم این است که مدارس هیات امنایی پلی برای تبدیل مدارس دولتی به غیردولتی است، یعنی یک تهدید یا ترس یا خطری که اینجا وجود دارد، این است که مدارس دولتی یا پل واسطی به نام هیات امنایی به مدارس غیردولتی تبدیل شوند.»

## ایجاد تنوع مدارس حربه دولت برای بازی با کیفیت مدارس مختلف است

برکم در پایان با تایید این مساله که توسعه مدارس هیات امنایی به عنوان یکی از انواع مدارس مختلف موجود در کشور در تناقض با مساله حذف تنوع مدارس است، خاطر نشان کرد: «دقیقاً این با آن ماجرای پرحاشیه حذف تنوع مدارس در تضاد است. طبق آخرین گزارشی که مرکز پژوهش های مجلس داده بود در ایران ۲۳ نوع مدرسه را شناخته اند. جالب است مرکز پژوهش ها گفته بود تا این لحظه، یعنی به کنایه بیان کرده بود. ما با انواع معلم، دانش آموز و مدرسه رویه رو هستیم و این خیلی ساختار آموزش و پرورش را ساختار بی انضباط و بی نظمی کرده است؛ از یک سو مسئولان می گویند حذف تنوع باید صورت گیرد و از سوی دیگر خود به این تنوع دامن می زنند. در این چند سال گذشته مدارس خرید خدمات را داشته اند و الان هیات امنایی قرار است گسترش یابد. مدرسه هیات امنایی خودش یک تنوع است. به نظرم دولت یا مجموعه ای که در آموزش سیاستگذار هستند، مدارس را تعدد متنوع می کنند تا اعتراض عمومی به کیفیت مدارس را کم کنند. طبقه ای که می تواند مطالبه کند و قدرت اجتماعی و مالی دارد، مدارس خصوصی را انتخاب می کند و به آن دسترسی می یابد. قدری اگر سطح پایین باشند مانند مدارس شاهد و نمونه و... مدارس هیات امنایی هستند و آن مدرسی که وضعیت خوبی ندارند و دولت به آنها نمی رسد برای خانواده هایی می ماند که توان مالی ندارند و احتمالاً وسیع مطالبه گری هم ندارند که بتوانند دغدغه های خود را در فضای عمومی هم اعلام و کنش ایجاد کنند. این طور فضا را آماده می کنند تا در نهایت به همان هدف خود برسند و آموزش را از حیطه وظایف دولتی خارج و اصل ۳۰ قانون اساسی را بلا موضوع کنند.»

